

بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زنان

دکتر جمشید جعفرپور^۱

چکیده: توسعه جامعه زمانی محقق می‌شود که همه توانمندی‌ها و استعدادهاى آن بالفعل گردد. حضور و مشارکت زنان به عنوان نیمی از اجتماع نقش انکارناپذیری در این فرایند دارد. اسلام مکتبی است که قوانین و احکام خود را بر اساس رشد و کمال نفسانی و پرهیز از هرزروی استعدادها استوار می‌سازد و به همین دلیل ضوابط و معیارهای دقیقی را در زمینه ارتباطات زنان و مردان برقرار کرده است. اشتغال و حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی خواه ناخواه به گسترش این مراودات و ارتباطات می‌انجامد.

در احکام شرعی و قوانین فقهی مبتنی بر شرع چگونه بین این معیارهای منطقی و ضرورت اشتغال و حضور اجتماعی زنان جمع می‌شود و قوانین فقهی و حقوقی چه محدوده‌ای را در خصوص اشتغال زنان ترسیم می‌نماید؟

کلید واژه‌ها: اشتغال زنان، پوشش، عفاف، کنوانسیون رفع تبعیض از زنان

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و $\frac{2}{3}$ کارهای انجام شده در جهان توسط آنان صورت می‌گیرد، با این وجود کمتر از نیمی از درآمد جهانی به زنان تعلق دارد. آمار نشان‌دهنده آن است که زنان بخش عمده‌ای از جایگاه کاری را دارند، در آغاز قرن بیستم نزدیک به $\frac{1}{3}$ از

۱. استادیار گروه حقوق علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلّم email: jafarpour@iranculture.org

این مقاله در تاریخ ۸/۳/۸۶ دریافت گردید و در تاریخ ۲۰/۳/۸۶ مورد تایید قرار گرفت.



زنان انگلستان در نیروی کار مشارکت داشتند. در سال ۲۰۰۵ این میزان به ۵۶ درصد نیروی کار رسید، البته در اروپا به عنوان یک کل در سال ۱۹۸۳، ۵۴٪ زنان در نیروی کار مشارکت داشتند. در حال حاضر درصد اشتغال زنان در اتحادیه اروپا ۵۹ درصد می‌باشد. در ایران این آمار براساس گزارشات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، ۱۱/۲ درصد می‌باشد این در حالی است که طبق همین آمار ۱۹/۵۶ درصد از زنان ایرانی دارای تحصیلات عالی می‌باشند.

رویکرد زنان به اشتغال خارج از خانه تحت تأثیر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظام شخصیتی آنان است. برخی مطالعات نشانگر آن است که هنوز افراد چه زن و چه مرد در پذیرش نقش‌های جدید زنان تردید دارند.

تقسیم کار لازمه یک جامعه رشد یافته است که براساس استعدادها و توانمندی‌های افراد به وجود آمده است و ممکن است برحسب شرایط فیزیولوژیکی و سنتی افراد فرق کند، ولی نباید بر مبنای تفاوت‌های جنسی قرار داده شود. در ابتدا می‌باید این باور در اذهان مرد و زن جای گیرد که زنان می‌توانند در عرصه‌های مختلف اجتماعی توانمندی‌های خود را بیش از گذشته به منصفه ظهور بگذارند. جایگزینی این باور باید توسط پرورش کودک در خانواده و سپس مدرسه و محیط اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی انجام گیرد.

جمهوری اسلامی ایران گرچه در دو دهه اخیر آمار مناسبی از رشد فعالیتهای اقتصادی بانوان ارائه داده است، لیکن وجود برخی دیدگاه‌های منتسب به مذهب مبنی بر غیرمشروع بودن اشتغال زنان در بیرون از خانه مانع دستیابی به وضعیت مناسب تری شده است. هنوز نتوانسته جایگاه مناسبی در عرصه بین‌الملل در زمینه رعایت حقوق فردی و اجتماعی زنان کسب نماید. آنچه بیش از همه موجب تأسف است اینکه انتساب این دیدگاه به دین مبین اسلام موجب پیدایش نگرش منفی در بعد جهانی نسبت به جوامع اسلامی گشته است. این در حالی است که اسلام زمانی در جزیره‌العرب ظهور کرد که زنان حیثیت خود را از دست داده بودند، اسلام آنان را بلند و سرافراز با مردان مساوی نمود. نخست خرافاتی را که در آن زمان درباره زنان وجود داشت، از بین برد و همه تعابیری را که در گذشته در مورد آنان وجود داشت رد و تمجید از دختران و مقام والای آنان را گوشزد نمود. دین اسلام و قانون‌نامه مقدسش (قرآن) در خصوص زن، برخلاف تبلیغات سوء اخلاص‌گران که لاف طرفداری از حقوق زن را می‌زنند و قوانین الهی را مورد حمله قرار داده و نسبت به حقوق زن، تصور غیرعادلانه نموده‌اند، نظریه درخشان و رأی معتدلی در این مورد ارائه



داده و نظریات افراطی و تفریطی را مورد نقد قرار می‌دهد. زن در پیش اسلام، نیمی از پیکر جامعه است، او پایه‌گذار اصلی هسته خانواده است، او را می‌توان معلم جامعه بشری نامید تا حدی که همه رشدها و پیشرفت‌ها از او نشأت می‌گیرد. زن می‌تواند همانند مرد در راه کمال و رسیدن به قرب الهی تلاش و رشد نماید و می‌تواند طرف خطاب خداوند واقع شود او هم طرف خطاب و دعوت انبیاء است و هم در تشریف به حریم احکام اسلام از مردان پیش است.

در حال حاضر با توجه به وظیفه خطیر و حساس ایران اسلامی در معرفی اسلام ناب محمدی و ارائه الگویی مناسب موفق از حکومت دینی به جهانیان لازم است با استناد به فقه و حقوق اسلامی به شبهات موجود در زمینه اشتغال بانوان پاسخ گفته و گامی در جهت رفع موانع نظری نسبت به این موضوع برداشته شود.

اشتغال زنان در آیات و روایات

با بررسی آیات درمی‌یابیم که قرآن کریم مستقیماً به طرح مسئله اشتغال بانوان نپرداخته است که در نتیجه آن را رد یا اثبات نماید. اما هرگز اشتغال و فعالیت اقتصادی را تنها برای مردان جایز ندانسته تا در نهایت زنان را به کلی از این صحنه خارج نماید، یعنی؛ ما هیچ دلیلی مبنی بر منع زنان از اشتغال در اسلام نخواهیم یافت بلکه می‌توان گفت شواهد و دلایل فراوانی در آیات قرآن کریم بر خلاف آن داریم زیرا فعالیت و تلاش اجتماعی و اقتصادی یک حق مشترک برای تمامی انسانهاست مگر آنکه مضرات این تلاش بر منافع آن فزونی یابد. ظرافت و لطافت جسم و طبع زنان آنان را در مقابل فشارها و تهدیدهای روز جامعه آسیب‌پذیرتر ساخته است و این موجب پیدایش نگرانی‌هایی در ارتباط با تضييع حقوق زنان می‌گردد لیکن چنانچه ضوابط شرعی، عقلی و قانونی بر روابط زنان و مردان در اجتماعات حاکم گردد، دلیلی بر چنین نگرانی وجود نخواهد داشت. این ضوابط همان فرهنگی است که قرآن از آن به «معروف» یاد می‌نماید. گاه تعصب جاهلی به مرد این چنین تلقین می‌کند که زن در جامعه نمی‌تواند حضور فعال داشته باشد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و عاشروهن بالمعروف و ان کرهتموهن» (سوره نساء- آیه ۱۹)

«معروف» یعنی به رسمیت شناخته شده. چیزی را که عقل به رسمیت می‌شناسد و پیش وحی و صاحب شریعت به رسمیت شناخته شده معروف است. لذا فرموده است با صنف زن طوری رفتار کنید که عقل و شرع او را به رسمیت می‌شناسد. سپس فرمود: «و ان کرهتموهن» اگر خوششان



نمی‌آید که زنها از حیات اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار باشند، بدانید که این کراهت‌ها نارواست.

«عسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً»

یکی از آیاتی که می‌توان جواز اشتغال زنان را استنباط کرد آیه ۳۳ سوره نساء است: «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» آنچه مردان کسب می‌کنند بهره مردان است و آنچه زنان کسب می‌کنند نصیب ایشان است.

گروهی از آیات قرآن کریم که می‌توان از آنها جواز اشتغال بانوان را استنباط نمود، آیاتی هستند که به طور عام زنان و مردان را به فعالیت اقتصادی تشویق و ترغیب می‌نمایند. از مهمترین این آیات، آیه ۱۰ سوره جمعه می‌باشد:

«فاذا قضیت الصلوه فاتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا لله کثیراً لعلکم تفلحون» پس آنگاه که نماز پایان یافت باز در پی کسب و کار خود روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیرا کنید تا مگر رستگار و سعادتمند گردید.» مراد از انتشار در ارض، متفرق شدن مردم از مسجد به بیرون و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا، یعنی رزق و روزی است.

در اسلام نه تنها فعالیت اقتصادی جایز شمرده شده و به زنان و مردان اجازه اکتساب مال و تحصیل درآمد داده شده است بلکه همگان به حضور فعال در صحنه اقتصاد دعوت و تشویق شده‌اند آیاتی که مردم را دعوت به آبادانی زمین نموده است مثل بخشی از آیه سوره هود: «هو انشاکم من الأرض و استعمرکم فیها» او خدایی است که شما را از خاک آفرید و برای آبادی زمین برگماشت. همه نمونه‌هایی از این تشویق هستند. با دقت در آیات می‌بینیم که خصوص مردان مخاطب نیستند بلکه مجموعه مسلمانان یا انسانها مورد توجه قرار گرفته‌اند و همگی به طلب فضل الهی که تحصیل درآمد یکی از مصادیق آن است، دعوت شده‌اند و بی‌شک «کار» یکی از مهمترین راههای کسب مال محسوب می‌شود و اسلام نیز به آن توجه خاص کرده است. پس اگر مردان و زنان به فعالیت اقتصادی دعوت شده‌اند و نیز اگر «کار» از مصادیق بارز فعالیت اقتصادی است، می‌توان گفت ابتغاء فضل خداوند یعنی طلب روزی با همین مفهوم در سوره اسراء آیه ۶۶ و در سوره فاطر آیه ۱۲ تکرار شده است. جمیل بن صالح می‌گوید: در مورد آیه شریفه «رینا آتنا...» (سوره بقره- آیه ۲۰۲) یعنی پروردگارا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت بهره‌مند گردان، امام



صادق (ع) فرمودند: «رضا و خشودی خداوند و بهشت، حسنه در آخرت است و وسعت رزق و کسب درآمد فراوان و نیک خلقی، حسنه در دنیا است» البته در خصوص جواز اشتغال زنان می‌توان به روایات نیز تمسک جست، در بعضی از روایات مواردی را ذکر می‌کنند که به لحاظ ضوابط شرعی مردان نمی‌توانند در مورد آن شاهد باشند و نظر بدهند، یعنی اگر قرار باشد که در اینجا شهادت زنان را نپذیریم مستلزم ارتکاب حرام است. (نگاه نامحرم به بدن زن) در اینجا حکم همه روایات مبتنی بر این است که وجوباً باید زن بر مرد مقدم شود به عنوان مثال در روایت صحیح از امام صادق (ع) آمده که: «شهادت زنان در مواردی که مردان نمی‌توانند بر آن نظر افکنند و شاهد باشند، جایز است و همچنین در مسئله نکاح نیز شهادت آنان جایز است»

با توجه به معیار کلی که توسط امام (ع) به دست داده شده در همه مشاغلی که به لحاظ احکام شرعی نمی‌تواند توسط مردان انجام شود مانند مامایی و پرستاری و سایر رشته‌های پزشکی که مستلزم تماس زن با مرد نامحرم است، ضرورتاً نیاز به پزشک زن حس می‌شود و با توجه به این که همه احکام و مسائل ما بر اساس جلب مصلحت و دفع مفسده است، لذا مفهوم روایات مؤید این مطلب است که اگر بنا شود نه فقط در رشته‌های پزشکی بلکه در سایر موارد مثل آموزش و پرورش صرفاً مردان به این مشاغل بپردازند و زنان را بطور کلی از صحنه خارج نماییم در بسیاری از موارد دچار مشکل خواهیم شد، از این رو اگرچه روایات ما بیشتر به این مسئله خاص پرداخته‌اند اما باید با توجه به مقتضیات زمان به این نیازها پاسخ داد. همچنین روایاتی داریم که بر اینکه طلب روزی حلال بر هر انسانی فرض و واجب است دلالت می‌کند:

قال رسول الله (ص): «طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة» (به دنبال روزی حلال رفتن بر هر فرد مسلمانی اعم از زن یا مرد واجب است)

آنچه مسلم است اینست که اگر این امر مهم را مرد به عهده گرفته باشد، که البته در شریعت مقدس اشتغال و انفاق به خانواده وظیفه اصلی مرد است، زن دیگر مسئولیتی ندارد و با کوتاهی در این امر مستوجب مؤاخذه نخواهد بود ولی اگر تحت شرایطی خاص مرد نتوانست از عهده مسئولیت برآید، زن باید به او کمک و یاری رساند و با تشریک مساعی یکدیگر خانواده را به سرمنزل مقصود برسانند. در مواردی هم ممکن است که خانواده نیازی به نفقه زن ندارد اما زن دارای تخصص و یا مهارتی باشد که جامعه به او نیاز دارد و او فقط با کار کردن می‌تواند این مهارت خویش را به ظهور برساند و رشد یابد در اینگونه موارد هم اگر شرایط لازم و مهیا بود و



این کار و فعالیت با مصالح خانوادگی نیز سازگار بود، زن می‌تواند کار کند و بر او لازم است که به رفع نیز جامعه خود همت گمارد.

مسئله اشتغال بانوان از دیدگاه فقها

از مهمترین نکاتی که به عنوان مانع اشتغال زنان به فعالیت‌های اقتصادی در عبارات فقها دیده می‌شود برخورد حضور زن در بیرون از خانه با حقوقی است که زن در قبال شوهر برعهده دارد «حنیفه» از اهل تسنن می‌گویند: «زنی که کار بیرون از منزل داشته باشد و مرد بخواهد که او در خانه بماند و زن اجابت نکند، نفقه او ساقط می‌گردد» و سایر مذاهب به اتفاق گفته‌اند: «جایز نیست زن بدون اجازه مرد از خانه خارج شود»

«شافیه» و «حنابله» می‌گویند: «زن حتی با اجازه شوهر، اگر برای کار ضروری خویش بیرون رود، نفقه ندارد.» ولیکن نظریه دست این است که باید بین مردی که هنگام عقد از کارمند بودن زن اطلاع دارد و می‌داند کار بیرون او را از ماندن در خانه بازمی‌دارد بامردی که نمی‌داند زن کارمند است و با تصور اینکه او خانه‌دار است ازدواج می‌کند، فرق گذاشت.

اگر در ضمن عقد نکاح زوج شرط اشتغال را بیاورد با پذیرش این شرط حقی به نفع زوج پدید می‌آید تا به اشتغال در حرفه یا امری که مایل است مبادرت ورزد در اینصورت زن مستقلاً می‌تواند در دارایی حاصل از اشتغال هر تصرفی را که می‌خواهد بنماید، زیرا علاوه بر اینکه شرط جزء عقد بوده و عمل به آن در واقع عمل به عقد است و طبق ادله عامه (اوفوا بالعقود) باید به آن عمل کند. روایات خاصه به این مسئله دلالت دارند. مانند «المؤمنون عند شروطهم» و حدیث علوی «من شرط لامرته شرطاً فلیف لها به فان المسلمین عند شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً او احلاً حراماً»^(۸) (هر کس به نفع زوج تعهدی کرده است، باید به آن تعهد عمل نماید، زیرا مسلمانان باید به تعهدشان عمل نمایند مگر تعهدی که مستلزم تحریم حلال یا تحلیل حرام باشد).

ضوابط شرعی اشتغال بانوان

ضوابطی که دین مقدس اسلام برای حضور زن در اجتماع معین نموده است عبارتند از:

۱- حجاب و پوشش زن در اجتماع

در سوره نور همچنین سوره دیگر قرآن سلسله آیاتی هستند که موضوع آنان خانواده است، و این آیات مانند آیه حرمت نگاه به اجنبی و اجنبیه و آیات حجاب و نهی از تبرج و خودنمایی که به عنوان پشتوانه‌هایی برای ثبات و استحکام خانواده محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است که اطلاق «حجاب» فقط بر پوشش ظاهری کاری ناصواب است و حجاب برای زن و مرد مجموعه‌ای از تعاملات رفتاری و گفتاری را تشکیل می‌دهد، چه بسیار ممکن است شخصی از نظر ظاهر دارای پوشش کافی باشد ولی به لحاظ منش اخلاقی رفتار شایسته‌ای نداشته باشد و یا نوعی تبرج و خودنمایی در او مشاهده گردد. در روش‌های تربیتی اسلام نیز این طور نیست که فقط نظر به جداسازی محیط‌های اجتماعی زن و مرد باشد، بلکه تأکید اسلام بر حفظ شرایط و التزام به قیودات از قبیل نوع نگاه کردن، پوشش، سخن گفتن و ... است که به آنها خواهیم پرداخت.

فلسفه پوشش زن چیست؟

الف) حرمت بخشیدن به زن: زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن حدود را رعایت ننماید هر بیماردلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اشتغال حریم زن را می‌شکند.

به همین جهت خداوند تعالٰی زنان پیامبر (ص) را مود خطاب قرار داده می‌فرماید: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرضٌ و قلن قولاً معروفاً» (سوره احزاب- آیه ۳۲) یعنی ای زنان پیامبر، فروتانه و نازک و نرم با مردان صحبت نکنید مبادا بیمار دلان در شما طمع کنند - بلکه متین- و درست سخن گویند.

گرچه این حکم به دلیل خطاب «یا نساء النبی» در صدر آیه علی‌الظاهر مخصوص زنان پیامبر (ص) است لکن به اصطلاح فقهاء مورد مخصص نمی‌شود و بویژه در جایی که حکم، همراه با علت ذکر شده است عمومیت می‌یابد و در مورد همه زنانی که چنین احتمالی می‌دهند، صادق است. لذا چون سخن گفتن با لحن عشوه‌گرانه موجب طمع کجروان و بیماردلان می‌گردد، لازم است زنان به گونه متین با مردان بیگانه سخن گویند.

البته به همان اندازه که زنان مسئولیت حفظ این محدوده را دارند، مردان نیز مکلف به مراعات





آن هستند و باید از شوخی، مطایبه و حتی سخنان غیر ضروری با زنان دوری کنند. یکی از اصحاب امام محمد باقر (ع) می‌گویند: «با زنی که او را تعلیم قرآن می‌دادم، مختصر مزاحی کردم، امام باقر (ع) فرمودند: به او چه گفتم؟ از خجالت صورتم را گرفتم، حضرت فرمودند: دیگر به سوی زن برنگرد.»

ممکن است چنین توهمی پیش آید که اگر زن و مرد را از رابطه آزاد با یکدیگر محروم سازیم، خود این مسئله از نظر روانی محرک است و اگر آزادی روابط وجود داشته باشد، خطر کمتری جامعه را تهدید می‌کند چرا که «الانسان حریص علی ممانع» لذا اگر این دو بدون هیچ مرز و حجابی با یکدیگر مراد شده باشند، حرص و ولع آنها نسبت به یکدیگر فروکش می‌کند و برای یکدیگر عادی می‌شوند.

بدون تردید مراد از آزاد زنان و مردان نه تنها حرص و ولع شهوانی را کاهش نمی‌دهد، بلکه به گواهی آمار آن را تشدید می‌کند و تنها چیزی را که کم می‌نماید و یا بطور کلی از بین می‌برد، عاطفه و عشق همسری است که بسیار خطرناک است مطمئناً اگر حدود و مقررات اسلامی مراعات گردد، نه تنها خدشه‌ای به شخصیت زن وارد نمی‌آید، بلکه از او موجودی موقر و سنگین و به مراتب محبوب‌تر خواهد ساخت.

ب) مبارزه با نفس: میل به خودنمایی و جلوه‌گری به جهت مصالحی در سرشت زن نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی‌گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون سایر میل‌ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت؛ چرا که هیچ گرایش درونی بدون جهت در درون به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه‌گری همواره در همه جا نمود داشته باشد، قطعاً فسادآفرین خواهد بود. پوشش را می‌توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. حضرت علی (ع) در کلام زیبایی فرموده‌اند: «زکات الجمال، العفاف» یعنی زکات زیبایی، عفاف و پاکدامنی است.

ج) جواز حضور در اجتماع: گویا لزوم و وجوب حجاب و لزوم ستر زن در مقابل نامحرم و در ارتباط با اجنبی است و روشن است که اگر زن می‌بایست در گوشه‌ای به دور از انظار نگاه داشته شود و حضور در جامعه نداشته باشد، پس از لزوم پوشش و ستر به این گستردگی و حساسیت سخن گفتن، چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟

آیه ۶۲ سوره نور به روشنی این مطلب را نشان می‌دهد. «أما المؤمنون الذین آمنوا بالله ورسوله

و اذا كانوا معه على امر جامعه لم يذهبوا حتى يستأذنوه ...»

استاد جوادی آملی در تفسیر «امر جامع» می‌نویسد: «امر جامع» همان مسائل جمعی نظام است مانند نماز جمعه، تظاهرات علیه طغیان و استکبار، حضور در انتخابات، تأیید رهبر، امر به معروف و نهی از منکر عمومی و جمعی و ... خداوند در این بخش از قرآن می‌فرماید: «مؤمنین راستین کسانی هستند که در هیچ امر جامعی رهبرشان را تنها نگذارند.»

زن بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و بی‌هدف ماندن نجات داده و از سوی دیگر از فساد و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط زن و مرد پیشگیری نموده است.

۵) ایجاد امنیت: جامعه موظف است امنیت را در ابعاد مختلف، برای افراد فراهم سازد. بخش عمده‌ای از این مهم برعهده زنان است که با حفظ پوشش به این امر جامه عمل ببوشانند. اگر این حریم دریده شود، ضمانتی برای سلامت شخص و جامعه وجود ندارد.

در سایه رعایت عفاف، زن با شهامت هرچه تمامتر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی‌شود. بدین سان با قاطعیت تمام معتقد هستیم که پوشش، امنیت زن را در جامعه فراهم می‌سازد و در حریم پوشش است که می‌توان با خیالی آسوده به جامعه آمد و به فعالیت پرداخت و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماع، تحقق بخشید.

۲- عدم اخلاط

از آیات ۵۳ سوره احزاب و ۶۱ سوره نور عدم اختلاط زنان و مردان به وضوح قابل درک است. شهید مطهری در تفسیر آیه ۵۳ سوره احزاب می‌نویسد: «طبق این دستور مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می‌خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار صدا بزند.» جمله «ذلکم اطهر لقلوبکم» یا «و ان يستعفن خیر لهن» که در آیه ۶۱ سوره نور آمده است دلالت می‌کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردی که مستلزم نظر است را رعایت نمایند، به تقوی و پاکی نزدیکتر است همانگونه که گفته شد رخصت‌های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت داده شده است، نباید جهات اخلاقی ستر و پوشش و ترک نظر را از یاد ببرد.





اهمیت این مسئله تا به آنجاست که پیامبر اکرم (ص) در بیعت با زنان به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده و در ضمن بیعت به آنان می‌فرماید: «علی النساء أن لا یحبسنّ و لا یقعدن مع الرجال فی الخلاء» (از زنان پیمان گرفتند که دوست نداشته باشند، در خلوت با مردان بنشینند)

۳- حفظ وقار و عفاف

شرط سوم برای حضور زن در اجتماع «حفظ وقار و عفاف» در روش و منش است. در قرآن کریم نیز آیات متعددی به مظاهر و نمودهای این مسئله شامل حفظ حجاب، وقار در راه رفتن و سخن گفتن، پوشاندن زینت‌ها، دوری گزیدن از نگاه به نامحرم، پاکدامنی و ... اشاره کرده‌اند. آیات ۵۹ و ۵۸ سوره احزاب، آیات ۳۱ و ۳۰ سوره نور، آیه ۲۵ سوره قصص و آیه ۳۲ سوره احزاب از این دسته‌اند.

۴- عدم تعارض شغل زن با حق ریاست شوهر بر خانواده

در آیه ۳۴ سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات القانتات حافظات للگیب بما حفظ الله ...» مردان سرپرست زنان هستند، زیرا خدا برخی از ایشان را به برخی برتری داده است و به دلیل آنکه (مردان) از اموالشان خرج می‌کنند. پس زنان درستکار فرمانبردار به پاس آنچه خدا حفظ کرده، اسرار (شوهران خود) را حفظ می‌کنند.

مسائل اجتماعی و شم اقتصادی و تلاش برای تحصیل مال و تأمین نیازمندیهای منزل و اداره زندگی را مرد بهتر به عهده می‌گیرد و چون مسئول تأمین هزینه مرد می‌باشد، سرپرستی داخل منزل هم با مرد است. روح قیم و قوام بودن یک وظیفه است و نه فضیلت، در واقع آیه در مقام تبیین وظیفه است نه اعطای مزیت، پس زمانی که خداوند می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء» یعنی «یا ایها الرجال کونوا قوامین» یعنی ای مردان شما به امر خانواده قیام کنید همان گونه که برای اجرای مسائل قضایی خداوند به ما امر کرده و فرموده: «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» بنابراین قرآن هم به زنها می‌گوید شما به این مدیریت و سرپرستی داخلی احترام بگذارید و هم به مرد می‌گوید این وظیفه توست نه مزیت تو. اگر به زن در مقابل شوهر دستور تمکین می‌دهد و به مرد در مقابل زن دستور سرپرستی می‌دهد، تنها بیان وظیفه است و هیچ‌یک نه معیار فضیلت است و نه موجب نقص.



قید دیگری که در آیات قرآن برای وظایف زن و مرد موجود است، رعایت اصل «معروف» است. لذا خارج از محدوده معروف، مرد حق تحکم و تحمیل بر زن را ندارد و در این مورد آیاتی خطاب به مرد می‌فرماید: «و عاشروهن بالمعروف» (سوره نساء- آیه ۱۹) یا «فامسکوهن بالمعروف» (سوره نساء- آیه ۲۳۱) یا «آتوهن اجورهن بالمعروف» (سوره نساء- آیه ۲۵) پس با در نظر گرفتن مجموع آیات به این نکته می‌رسیم که زوج نمی‌تواند خارج از حکم خدا و اصل معروف نسبت به همسر تحکم نماید و اعمال نظرهای شخصی براساس اغراض نفسانی نماید به عنوان مثال در مسئله خروج از منزل رعایت اصل معروف و مصلحت خانواده بر زن و مرد واجب است. مرد نمی‌تواند برخلاف حکم خدا زن را مثلاً وادار به ترک ارحام یا ترک نیکویی نسبت به والدین یا ترک معروف و یا اصولی گرداند که برخلاف حکم شرع و عقل و خارج از دایره عرف و معروف باشد مگر در مواردی که یک مصلحت اهم عقلایی در خانواده موجود باشد یا شرط و عهده‌ی که بواسطه آن زوج ملزم به انجام آن می‌باشد.

ریاست خانواده که برابر ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی از خصائص شوهر می‌باشد، در حقوق ما نیز دارای آثار و نتایجی است. مثلاً زن حق دارد نام خانوادگی شوهر را با موافقت او بکار برد. (ماده ۴۲ قانون ثبت احوال) اقامتگاه زن همان اقامتگاه شوهر است (ماده ۵ قانون مدنی)، ریاست خانواده ایجاب می‌کند که ولایت قهری نسبت به اطفال از آن پدر بوده و او خود هزینه اداره خانواده را به عهده داشته باشد. (مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۹۹ قانون مدنی) علاوه بر این چون مرد رئیس خانواده است، اختیار تعیین مسکن اصولاً با او است زن باید از او تمکین کند نیز شوهر می‌تواند زن را از شغلی که منافی مصالح خانوادگی است بازدارد. این مسئله بر طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی می‌باشد: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.» درباره اینکه آیا شغلی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت زن و مرد است یا نه، ضابطه کلی نمی‌توان بدست آورد، این امر بر حسب زمان و مکان و وضع خانواده تفاوت می‌کند و تشخیص آن با عرف است قبل از تصویب قانون پیشین حمایت خانواده اختلاف نظر بود در اینکه آیا مرد می‌تواند بدون حکم قبلی دادگاه زن خود را از اشتغال به شغلی که مافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن می‌داند منع کند یا نه، اما قانون حمایت خانواده، در جهت حمایت از زن، آزادی بیشتری برای او قائل شد و تنها با تأیید قبلی دادگاه به شوهر اجازه داد که زن را از اشتغال به شغلی منع کند. ماده ۱۵ این قانون در این باره مقرر داشته است: «شوهر می‌تواند با تأیید



دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود زن باشد منع کند.»

۵- عدم تعارض با وظیفه مادری

شرط مهم دیگری که باید در مسئله اشتغال زنان مدنظر قرار گیرد، عدم تعارض این مسئولیت با وظیفه سنگین و خطیر مادری است. دوری و جدایی‌های بی‌حساب مادر و کودک موجب عوارض بسیاری برای کودکان است که برخی از آنها عبارتند از: کمبود محبت و حتی احساسی که زمینه‌ساز بسیاری از لغزشها، نابسامانی‌ها و انحرافات در زندگی حال و آینده اوست. آسیب‌پذیری و آمادگی بیشتر برای بیماری و دلنگی بیشتر در هنگام بیماری، تفکیک فرهنگی در سنین بالاتر و احساس جدایی فکری و خطی بین خود و خانواده و در نهایت جدایی بدنی از خانواده و جدا کردن راه زندگی خود از دیگران از عوارض منفی محرومیت فرزندان از حضور مادر در خانه می‌باشد.

قوانین و مقررات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی زنان در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی

۱- قوانین داخلی

الف) موقعیت حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران

با توجه به مقررات قانونی ایران، زن همانند مرد از اهلیت تمتع برخوردار است و در صورت داشتن بلوغ و عقل و رشد مثل مرد حق انجام هرگونه عمل حقوقی از جمله کسب درآمد را دارد و در این جهت فرقی بین زن مجرد و شوهردار نیست. قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۱۸ خود مقرر می‌دارد که: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.» پس در حقوق ایران، اموال زن و مرد دارایی مشترک را تشکیل نمی‌دهد، بلکه اموال هر یک از زوجین مستقل و جدا از اموال دیگری است و این حکم حقوقی مبنای اسلامی و ریشه فقهی دارد. شیخ طوسی به این مطلب تصریح نموده‌است که: «وقتی زن به حد بلوغ و رشد رسید، اموالش به او تحویل می‌شود و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند، خواه شوهر داشته باشد یا نه و در صورت داشتن



شوهر برای تصرف در اموالش نیازی به اجازه شوهر ندارد و ریاست او بر خانواده اختیاراتی برای وی در این زمینه ایجاد نمی‌کند. لذا حقوق اسلام و ایران برای زن اهلیت کامل قائل شده و بر خلاف حقوق سابق اروپا به هیچ وجه زن را محجور نشناخته است. کار اقتصادی زن هم جزء اموال او به شمار می‌آید و زن مجبور نیست آن را به رایگان در اختیار شوهر بگذارد حتی در حقوق اسلامی آمده است که: «زن می‌تواند برای کارهایی که در منزل شوهر به امر او انجام می‌دهد از او مطالبه حق‌الزحمه نماید.»

ب) قوانین ومقررات مربوط به اشتغال زنان در ایران

چنانچه سیاست‌های فرهنگی مناسب و حمایت‌های لازم قانونی از مشارکت زن مسلمان ایرانی در عرصه فعالیت اقتصادی اتخاذ شود، قادر خواهد بود با ایفای کامل نقش مادری و وظیفه صیانت از خانواده را انجام دهد و در کنار آن در رفع نیازهای خود و جامعه پیش از پیش مؤثر واقع شود. در این راستا اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.» این قانون در بخشی از اصل بیست و یکم خود وظیفه دولت را جهت رعایت حقوق زن بدین شرح اعلام می‌دارد:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی در دویست و هشتاد و هشتمین جلسه خود، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران را به تصویب رساند.

برخی از مواد این مصوبه به شرح زیر می‌باشد:

- ۲۵۵۵: اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و اداری از جمله شرایط و لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه است و باید به آن وقع لازم گذاشته شود.
- ۴: شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و



حرفه‌ای آنان فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامت فکری و روحی و جسمی آنان لطمه‌ای وارد نیاید.

ماده ۵: با توجه به نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت، باید تسهیلات لازم برپا اشتغال آنان از سوی دستگاه‌های اجرای فراهم آید و برنامه‌ریزی‌های مناسب حسب اولویت صورت گیرد.

ماده ۶: تشویق بانوان تحصیل کرده و متخصص با تجربه به احراز سمت‌های مدیریت و مشاغل مساوی، به منظور امکان استفاده از کارآیی آنها در سطوح عالی اجرایی.

ماده ۷: با توجه به اینکه نیروهای متخصص و تحصیل کرده در هر جامعه‌ای ارزشمندترین سرمایه‌های آن به شمار می‌آید و برای آموزش و تربیت علمی آنان سرمایه‌گذاری هنگفت صورت گرفته است، باید:

اولاً: انتخاب تحصیل در رشته‌های مناسب با اشتغال بانوان هر چه کامل‌تر امکان‌پذیر شود.

ثانیاً: تسهیلات لازم برای استفاده از توانایی‌های زنان کارشناس، متخصص و تحصیل کرده فراهم آید به گونه‌ای که اهتمام آنان به انواع نقش خود در خانواده و شرایط زندگی، منجر به کنارگیری از فعالیت اجتماعی نشود.

ماده ۹: در تعیین ارزش کار در شرایط مساوی، دست‌کم حق‌الزحمه و مزایای مساوی منظور شود.

ماده ۱۰: با توجه به اهمیتی که نظام جمهوری اسلامی ایران به استحکام بنیان خانواده و نقش تربیتی و سازنده زنان در خانه قائل است، مقررات و تسهیلات لازم، به مناسبت «شغل مادرانه» در نظر گرفته شود از قبیل استفاده از مرخصی با حقوق، تقلیل ساعات کار، مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر خدمت، امنیت شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی در مواقع بیکاری، بیماری، پیری و ناتوانی از کار.

ماده ۱۱: امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فرصت‌های شغلی مناسب با اولویت برای قشر محروم بانوان نان‌آور خانواده خود، فراهم آید.

علاوه بر مصوبات فوق، قانون کار جمهوری اسلامی ایران منبع حقوقی دیگری در زمینه اشتغال بانوان می‌باشد. برخی از مواد این قانون را مرور می‌کنیم: در ماده ۲۸ این قانون آمده است: «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد، باید به زن و مرد مزد



مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.»

قانون کار جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط خاص زنان حمایت‌های خاصی را برای آنان مقرر داشته است. از آن جمله ماده ۷۵ این قانون: «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز بادست و بدون استفاده از وسائل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است، دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.»

ماه ۲۶: «مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است که حتی‌الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار بگیرد، برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مرخصی اضافه می‌شود.»

تبصره ۱: پس از پایان مرخصی زایمان، کارگر زن به کار سابق خود باز می‌گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزء سوابق خدمت وی محسوب می‌شود.

تبصره ۲: حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شد.
 ماده ۷۷ قانون کار: «در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، بدون کسری حق‌السعی، کار سبک‌تر و مناسب‌تری به او ارجاع می‌نماید.»

ماده ۷۸: «در کارگاه‌هایی که دارای کارگر زن هستند، کارفرما مکلف است به مادران شیرده تا پایان دو سالگی کودک پس از هر ۳ ساعت، نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد. متناسب با تعداد کودکان و با در نظر گرفتن گروه سنی آنها مراکز مربوط به نگهداری کودکان (از قبیل شیرخوارگاه، مهد کودک و ..) را ایجاد نماید.»

۲- اسناد بین‌المللی

اشتغال زنان در «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (سوم سپتامبر ۱۹۸۱) لازم‌الاجرا شد. ماده ۱۱ این کنوانسیون مستقیماً به مسئله اشتغال بانوان توجه دارد که مفاد آن را در



ذیل می‌خوانید:

۱- دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهند آورد تا هرگونه تبعیض علیه زنان در اشتغال از بین برود و براساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود؛
بویژه موارد زیر:

الف: حق اشتغال به کار به عنوان حق لاینفک تمام افراد بشر؛

ب: حق استفاده از فرصت‌های استخدامی یکسان، از جمله اعمال ضوابط یکسان برای استخدامی؛

ج: حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، حق برخورداری از ارتقاء مقام، حق برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط شغلی و حق استفاده از دوره‌های آموزش حرفه‌ای و بازآموزی، از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای پیشرفته و آموزش مرحله‌ای؛

د: حق دریافت دستمزد برابر و نیز استفاده از مزایا و حق برخورداری از رفتار یکسان در مشاغلی که دارای ارزش برابر است و همچنین قضاوت یکسان در ارزیابی کیفیت کار مشابه؛

ه: حق استفاده از بیمه‌های اجتماعی بویژه در دوران بازنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری و در سایر موارد از کارافتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی؛

و: حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در کار، از جمله حمایت از وظیف تولید مثل.

۲- به منظور جلوگیری از اعمال تبلیغات علیه زنان و تضمین حق مؤثر زنان باردار جهت کار، دول عضو اقدامات زیر را بعمل خواهند آورد:

الف: ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج براساس وضعیت زناشویی و اعمال مجازات‌های قانونی بدین منظور؛

ب: صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن قبلی، ارشدیت یا مزایای اجتماعی؛

ج: تشویق به ارائه خدمات حمایتی اجتماعی لازم به نحوی که والدین را قادر نماید تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی و مشارکت در زندگی اجتماعی هماهنگ سازند، به خصوص از طریق ایجاد و توسعه شبکه تسهیلاتی برای مراقبت از کودکان؛

د: برقراری حمایت خاص از زنان هنگام بارداری انواع مشاغلی که برای آنان زیان‌آور محسوب می‌گردد.

۱- موانع حقوقی

در حال حاضر دو نوع محدودیت شغلی برای زنان طبق قوانین ایران وجود دارد که یکی ممنوعیت برخی از مشاغل به خاطر منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص زنان می‌باشد و دیگری محدودیت مربوط به زن شوهردار از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی است که در قسمت اول دو نوع محدودیت در حال حاضر وجود دارد:

الف: ممنوعیت از اشتغال به قضاوت: طبق نظر و فتوای معروف فقهای اسلام، مرد بودن از شرایط اشتغال به قضاوت است و زنان حق قاضی شدن به معنای عهده‌دار شدن رسیدگی به دعوی و رأی دادن را ندارند. از همین رو، ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب سال ۱۳۶۱ مقرر داشته است: «قضات از میان مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند.» و طبق اصلاحیه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۴ بر تبصره ۵ این ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی زنان واجد شرایط می‌توانند با پایه قضایی همانند مردان در پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق، مستشاری اداره حقوقی و نظایر آن انجام وظیفه نمایند و در حال حاضر محدودیت شغل قضایی زنان صرفاً مربوط به تصدی دادگاه و صدور حکم به معنای خاص آن است.

ب: محدودیت اشتغال در نیروهای مسلح: آنچه از ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ و ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ استفاده می‌شود این است که زنان در نیروهای مسلح در مشاغل درمانی، بهداشتی و نظایر آنها ممکن است استخدام شوند و در مشاغل سنگین و در ارتباط با سلاح و بکارگیری آن، از آنها استفاده نمی‌شود. مسلم است که این محدودیت هم در جهت ملاحظه وضعیت خاص زنان است، بنابراین تبعیض ناو را در احراز مشاغل محسوب نمی‌شود.

محدودیت شغلی زن شوهردار: ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به مرد حق داده است که در برخی موارد زن خود را از اشتغال به شغلی منع نماید، گرچه این ماده نوعی محدودیت شغلی برای زن شوهردار ایجاد می‌کند ولی محجوریت مطلق زن شوهردار و یا تسلط مطلق مرد بر زن و مانع شدن از اشتغال او را نمی‌رساند.





نظیر چنین وضعی در قانون مدنی برخی کشورهای دیگر نیز به چشم می‌خورد، مثلاً طبق ماده ۱۶۷ قانون مدنی سوئیس هر یک از زوجین درانتخاب شغل و انجام فعالیت‌هایش باید رعایت شخص همسر و منافع زندگی مشترک را بنماید. در قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاحیه سال ۱۹۶۵ طبق بند ۱ ماده ۲۲۳ مردمی توانست با اشتغال همسرش مخالفت نماید ولی در اصلاحیه سال ۱۹۶۵ در ماده فوق‌الذکر تصریح شد که زن می‌تواند بدون موافقت شوهرش شغلی داشته باشد.

۲- مانع اجتماعی

این مانع عبارت است از مجموعه اعتقادات و باورها و آداب و رسوم مردم که وظیفه زن را صرفاً انجام امور خانواده و نگهداری و تربیت فرزندان می‌داند و این اعتقادات و باورها را دختران و پسران از بدو تولد در خانواده و در فرآیند اجتماعی شدن در درون جوامع و مناطق سنتی می‌بینند و در نتیجه در درون خود آنان نیز نهادینه می‌شود.

۳- مانع بیولوژیکی

متداول است که می‌گویند فعالیت‌ها و اموری که نیاز به ظرافت، دقت و حوصله زیاد دارند متناسب زنان و اموری که مستلزم صرف نیروی بدنی زیاد و زور و بازو است، مختص مردان است. البته درست است که تفاوت‌های طبیعی میان دو جنس موجود است اما در واقع می‌توان بسیاری از امور و اعمال را یافت که از نظر مردانه و زنانه بودن بین آنها تفاوتی وجود ندارد. امروزه در جامعه ما تنگناها و موانع بیولوژیکی تا حد بسیار زیادی از سوی فرهنگ و فرآیند جامعه‌پذیری تحت تأثیر شدید واقع شده، به گونه‌ای که در برخی از عرصه‌ها بدون آنکه زنان مانع بیولوژیکی داشته باشند از انجام آنها منع شده و یا برای آنان مناسب تشخیص داده نشده است

پیشنهادهای

زنان جامعه نقش اساسی را در تعالی و رشد معنوی هر اجتماعی بر عهده دارند که این نقش هم در سایه حضور اجتماعی صحیح و منطبق با موازین شرعی تحقق می‌یابد و هم از طریق تربیت نسل آینده و نهادینه کردن ارزش‌های دینی و ملی در آنان متجلی می‌گردد. مسلماً این کارکرد زمانی محقق می‌شود که زن‌ها از آگاهی اجتماعی و تعهد دینی برخوردار باشند. از راه‌های دستیابی



زنان به این موقعیت امکان تحصیل و حضور اجتماعی است. لذا جامعه می تواند با حفظ معیارها و هنجارهای جامعه دینی موانع اشتغال زنان را مرتفع سازد که از آن جمله موارد زیر است:

۱- از آنجا که آموزش و پرورش و ارتقاء سطح آگاهی جامعه نقش اساسی در تحول باورها و نگرشها نسبت به زنان در جامعه دارد، لذا می بایست نقش آموزش و پرورش در شکل دهی اذهان جامعه نسبت به اشتغال زنان مورد تجدیدنظر قرار گیرد. به خصوص این که به عنوان یک اقدام فرهنگی بلند مدت می بایست آموزشها طوری تدوین شود که زن در کنار مسائل خانه داری و تربیت و پرورش فرزندان صالح و مؤمن به عنوان عنصری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز معرفی شود.

۲- برای دختران نیز مانند پسران الگوهای شغلی مناسب و متفاوتی ارائه شود تا آنان نه تنها با امکانات مختلف شغلی آشنایی پیدا کنند بلکه خود را با مشاغلی که در آینده انتخاب خواهند کرد هماهنگ و منطبق کنند.

۳- طرحهای خود اشتغالی زنان در جامعه و اجرای قانون کار نیمه وقت بانوان با حمایتهای قانونی و مزایای اجتماعی در جامعه مانند ایجاد تمهیداتی چون مهد کودک در محل کار، شرایط ایاب و ذهاب، دادن مرخصیهای مورد نیاز گسترش یابد و ...

۴- روحیه اعتماد به نفس زن ها برای آنکه در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی شرکتی فعال و مؤثر داشته باشند تقویت و از طرف دیگر مردان نسبت به رعایت بیشتر حقوق زنان در محیط خانواده و جامعه آگاه شوند.

۵- تشویق زنان نمونه و موفق در فعالیتهای مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و معرفی آنها به جامعه زنان در جهت ترغیب آنان به فعالیت.

۶- ارتقاء سطح آگاهی زنان نسبت به حقوق خویش در جامعه و همچنین آگاه کردن آنان از قانون کار و مزایای آن.

۷- نقش پنهان زنان در روند توسعه از طریق فرآیند اجتماعی کردن و انتقال ارزشها و الگوها جامعه عمل می پوشد. با توجه به یافتههای پژوهشی ارائه شده، زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل از کارکردهای مؤثرتری در این زمینه برخوردار بوده اند. لذا می توان نتیجه گرفت که افزایش نقش آشکار زنان در روند توسعه و تأمین اشتغال مطلوب تر آنها می تواند خود به خود منجر به ایفای بهتر نقش پنهانی زنان در پرورش انسان توسعه آفرین شود.



- خدیجه سفیری، جامعه‌شناسی اشتغال بانوان، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تیان، سال ۱۳۷۷، ص ۱۲۹
- همان، ص ۱۸
- به نقل از سایت زنان WWW.IRAN WOMAN.ORG
- به نقل از سایت مرکز آمار ایران WWW.IRAN INFORMATION.IR
- محمدتقی المجلسی، روضه‌المعتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۶، ص ۱۴۰
- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۶
- محمدجواد مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، بنیاد علوم اسلامی، ص ۲۹۳
- الحر العاملی، وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، ص ۳۵۳
- الحر العاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۴۴
- روح‌ا... حسینیان، حریم عفاف، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۷۲، ص ۳۲
- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، بی تا، ص ۱۵۴
- محمدبن‌الحسن الحر العاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۷۵
- جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ سوم، ص ۳۶۶
- عزت‌السادات میرخانی، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، «گستره وظایف زن در قانون مدنی» فصلنامه ۸، ص ۵۶
- سید حسن صفایی، حقوق خانواده، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۴۲ و ص ۱۴۳
- علی قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ ششم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۵، ص ۱۳۶
- حسین مهرپور، مباحثی از حقوق مدنی، چاپ اول، تهران، اطلاعات، سال ۱۳۷۹، ص ۳۵
- شیخ طوسی، کتاب‌الخلاف، چاپ مؤسسه نشر اسلامی قم، ج ۳، ص ۲۸۶
- حسین مهرپور، همان، ص ۳۸
- همان، ص ۳۹